



## هم‌اندیشی «مطالعه روش‌های تاریخ ادبیات‌نگاری»

هم‌اندیشی «مطالعه روش‌های تاریخ ادبیات‌نگاری»، به دعوت فرهنگستان زبان و ادب فارسی و تدارک گروه ادبیات معاصر، روز پنج‌شنبه ۲۸ آبان ۱۳۸۸ در محل فرهنگستان برگزار شد. هدف از برگزاری این همایش ارائه طرح پژوهشی گروه ادبیات معاصر با عنوان «تدوین شیوه‌نامه تاریخ ادبیات‌نگاری» به استادان و مدرّسان دانشگاه‌ها و استفاده از نظر آنان درباره آن بود.

در این همایش، عده‌ای از اعضای پیوسته فرهنگستان و نمایندگان از کتابخانه ملی، شهر کتاب، شورای کتاب کودک، سازمان میراث فرهنگی، انتشارات سمت، دانشگاه‌های تهران، تربیت مدرس، شهید بهشتی، فردوسی (مشهد)، علامه طباطبائی، شیراز، پیام نور، الزهرا، شهید چمران (اهواز)، بوعلی سینا (همدان)، تبریز، اصفهان، گیلان، کردستان، قزوین، زنجان، بیرجند، سبزوار، رازی، یاسوج، سمنان، زاهدان، هرمزگان، شاهد، ولی عصر (رفسنجان)، و قم حضور داشتند.

همایش با سخنان دکتر غلامعلی حدّاد عادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، درباره این هم‌اندیشی و هم‌اندیشی‌هایی از نوع آن در آینده و در معرفی گروه‌های فرهنگستان و فعالیت‌های آنان آغاز شد.

سپس احمد سمیعی (گیلانی)، مدیر گروه ادبیات معاصر، درباره «طرح تهیه شیوه‌نامه تاریخ ادبیات‌نگاری برای زبان فارسی» توضیحاتی داد و افزود که تا یک قرن پیش، برای ادبیات فارسی تاریخی پدید نیامده بود، تنها تذکره‌هایی در معرفی اجمالی و کلی

شاعران داشتیم. درباره نثرنویسان، اثر مدوئی وجود نداشت. امروز تحقیق ادبی و نقد ادبی پشتوانه‌های ضروری تاریخ ادبیات شمرده می‌شوند. تاریخ ادبیات‌های موجود از جهات گوناگون نارسایی‌هایی دارند که در طرح هم‌چنین در جزوه‌ای حاوی گزارش سخنرانی ایرادشده در نشست مشترک فرهنگستان و بنیاد ایران‌شناسی از آنها یاد شده است. برای تهیه شیوه‌نامه، باید تاریخ ادبیات‌های زبان‌های مهم جهان که دارای ادبیاتی غنی هستند مطالعه شوند. در تاریخ ادبیات جدید فرانسه، که زیر نظر ژان-ایو تادیه و مشارکت چند تن از محققان و متخصصان دوره‌های ادبی نوشته شده، دیدگاه و ساختار به کلی متفاوتی اختیار شده است. در آن، روح ادب هر دوره محور مطالب قرار گرفته و رابطه زنده حوادث تاریخی و جریان‌های سیاسی و فکری با آثار ادبی و انعکاس رویدادها در این آثار عمیقاً و با استقصای تمام بررسی شده است. وی، ضمن اشاره به این رویکرد نو، آراء گوستاو لانسون، چهره شاخص و ممتاز در تاریخ ادبیات‌نگاری و نویسنده تاریخ ادبیات فرانسه را در «روش تاریخ ادبیات‌نگاری» گزارش کرد (← مقاله «گزارش آراء گوستاو لانسون...» در همین شماره، ص ۱۵۶-۱۷۸). از نظر لانسون، موضوع تاریخ ادبیات، مانند تاریخ، متعلق به گذشته است اما گذشته‌ای که به جا مانده است. مواد تاریخ ادبیات همچنان که در مخاطبان اولیه خود اثرگذار بوده‌اند در ما نیز اثرگذارند و در نسل‌های آینده هم زنده و مؤثر خواهند بود. با مطالعه تاریخ ادبیات، در واقع تاریخ فرهنگ ملی را در انواع بیان مطالعه می‌کنیم.

به نظر لانسون، کاربست روش علوم تجربی در تاریخ ادبیات محکوم به شکست است. مورخ ادبی، پیش از هر چیز، باید خود طعم و مزه اثر ادبی را بچشد. تجزیه و تحلیل آزمایشگاهی نمی‌تواند جانشین ذایقه البته پرورده و فرهیخته منتقد ادبی شود.

سپس دکتر محمود فتوحی، دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد، از «گستره کار مورخ ادبی» سخن گفت. به نظر او، از تاریخ ادبی دو انتظار مطرح است: انتظار سنتی و انتظاری تحت تأثیر نظریه و نقد ادبی جدید، که این دومی گستره وسیعی دارد. در تاریخ ادبیات‌نویسی، معمولاً چهار گرایش وجود دارد: برخی وظیفه مورخ ادبی را بازسازی مقصود نویسنده می‌دانند. مورخ ادبی باید با ذهنیت ادوار گذشته و ارزش‌ها و جهان‌بینی‌ها و نظام‌های فرهنگی و زبان و ذوق ادبی حاکم بر آنها آشنائی نزدیک

پیدا کنند. فرمالیست‌ها بر آنند که مورّخ ادبی باید تحوّل فرم‌ها را بررسی کند یعنی به گونه‌شناسی و انواع ادبی بپردازد. در نظر آنان، تاریخ ادبی زنجیره‌ای از انقلاب‌های فرم‌های ادبی است. ساختارگرایان، در تاریخ ادبیات، مطالعه انواع (ژانرهای) ادبی را مدّ نظر قرار می‌دهند و می‌کوشند تحوّل آنها را در هر دوره بیان کنند و عوامل این تحوّل را بشناسانند؛ تاریخ‌گرایان جدید نظریهٔ هرمنوتیک را اساس مطالعات خود قرار می‌دهند. به زعم آنان، اثر ادبی بی‌زمان است و با مخاطبانِ ادوارِ گوناگون سخن می‌گوید و در هر گفت‌وگویی معنایی تازه می‌یابد. به این ترتیب، آنچه اهمّیت پیدامی‌کند رابطهٔ مخاطبان هر دوره با متن است.

دکتر فتوحی تأکید کرد که تاریخ ادبیات دانش است نه کتابی جامع حاوی اطلاعات گوناگون. تاریخ ادبیات‌نگاری باید متضمّن تحلیل انتقادی بر پایهٔ دیالکتیک تاریخی باشد و رابطهٔ ارزش‌های درونِ متن را با ارزش‌های حاکم بر زمان بررسی کند.

دکتر مهدی محبتی، استادیار دانشگاه زنجان، دربارهٔ تاریخ ادبیات عرفانی سخن گفت. به نظر او، هنوز تعریف مشخصی از ادبیات عرفانی به دست داده نشده و ملاکی برای ایرانی بودن آثار عرفانی تعیین نشده است. اگر ملاک ایرانی بودن زبان فارسی یا محدودهٔ جغرافیایی باشد، بسیاری از آثار مهم ادبیات فارسی را باید کنار بگذاریم. محبتی سپس به دسته‌بندی آثار عرفانی در سه مقولهٔ خلاق، تألیفی، تحریری در آثار عرفانی پرداخت. این آثار یا واجد نگره‌اند یا مطالب کشکول‌وار در آنها گرد آمده است. ظاهراً نخستین مادهٔ خام تاریخ ادبیات عرفانی طبقات نویسی است از قبیل طبقات الصوفیهٔ خواجه عبدالله انصاری که شکل تازه‌ای به این نوع داد. تذکرة الأولیاء عطار و نفحات الانس جامی در این گروه جای می‌گیرند. هریک از این آثار با نگره‌ای خاص و با گرایش فرقه‌ای تألیف شده‌اند. دسته‌ای دیگر از آثار عرفانی با این دید نوشته شده‌اند که برای طریقت منافاتی با شریعت قایل نیست. از جمله هجویری در کشف المحجوب این نظرگاه را برگزیده است. منابع عمده ادبیات عرفانی آثاری هستند که صرفاً عرفانی نیستند اما مایه‌های عرفانی در آنها وجود دارد؛ تذکرة‌ها و تفاسیر عرفانی از این دسته‌اند. دستهٔ دیگر کتاب‌هایی هستند که در مقامات عرفا نوشته شده‌اند مانند اسرار التوحید. در نوعی دیگر، بیان مفاهیم و اصطلاحات عرفانی مدّ نظر است. نمونه‌های

آن اصطلاح‌نامه عرفانی از عراقی و گلشن راز از شیخ محمود شبستری است. در عصر جدید نیز، محققانی به ادبیات عرفانی پرداختند و آثاری از انواع گوناگون پدید آوردند: گردآوری و تألیف و تحلیل مانند جستجو در تصوف اثر عبدالحسین زرین‌کوب؛ شرح آثار عرفانی؛ تصحیح متون عرفانی؛ فرهنگ‌های اصطلاحات عرفانی؛ تک‌نگاری‌های عرفانی مانند رساله در احوال و حالات مولانا اثر بدیع‌الزمان فروزانفر.

دکتر سعید رضوانی، پژوهشگر گروه ادبیات معاصر فرهنگستان، سخنان خود را با عنوان «مروری بر روش تاریخ ادبیات‌نگاری در زبان آلمانی» ایراد کرد. تاریخ ادبیات‌نگاری به شیوه نو در آلمان از ابتدای قرن نوزدهم آغاز شد. در این مرحله، ادبیات با هنر تلفیق شد. آلمانی‌زبان‌ها را از پرکارترین ملت‌ها در زمینه تاریخ ادبیات‌نگاری می‌توان شمرد. در نگارش تاریخ ادبیات‌های آلمانی، رویکردهای گوناگون می‌توان سراغ گرفت، از جمله به سبکی خاص یا به دوره‌ای خاص یا نوع ادبی (ژانر) مشخص یا کلاً جریان تاریخی توجه شده است. شیوه توصیف آثار هم در تاریخ ادبیات‌ها متفاوت است. در تحلیل، معمولاً ابعاد سیاسی - اجتماعی ادبیات و شرایط تولید آثار نیز در نظر گرفته شده است. جهان‌بینی مؤلفان در رویکرد آنان دخیل بوده است. اما در تاریخ ادبیات‌های آلمانی متأخر، تأثیر مستقیم جهان‌بینی مورخ کمتر مشاهده می‌شود. از حیث مخاطبان مفروض نیز در تاریخ ادبیات‌های آلمان طیف وسیعی به چشم می‌خورد؛ از جمله تاریخ ادبیات‌هایی برای دانش‌آموزان تألیف شده است.

دکتر رضوانی تاکنون پنج اثر برجسته از تاریخ ادبیات آلمان را بررسی و در گزارش‌های جداگانه عرضه کرده است. جدیدترین و جامع‌ترین آنها، دانشنامه ادبیات، ادیبان و آثار ادبی آلمانی در ۱۵ جلد است. این اثر مجموعه‌ای حاوی هزار مقاله از هزار نویسنده است در معرفی شاعران و نویسندگان به ترتیب الفبایی و، در عین حال، برخوردار از وحدت و یکپارچگی. این دانشنامه از سه نظر جامع است: در آن، به گروه بزرگی از ادیبانی که کمتر مورد توجه بوده‌اند و به نویسندگان ادبیات عامه‌پسند نیز پرداخته شده است؛ فیلسوفان نیز در این اثر لحاظ شده‌اند؛ نویسندگان آلمانی‌زبان خارج از مرزهای آلمان یا ساکن در جزیره‌های زبانی نیز در آن معرفی شده‌اند.

در این دانشنامه، هم درخشش‌های چشمگیر هم کورسوهای ادبی، هریک درخور ارزش ادبی و بُرد دامنه تأثیر خود، جای گرفته‌اند. در آن، از متفکرانی همچون فروید و اینشتین که، فراتر از رشته خود، اثرگذار بوده‌اند نیز یاد شده است. این دانشنامه ساختاری ساده دارد، هم به اعتباری تاریخ ادبیات است و هم تاریخ ادیبان و، در میان تاریخ ادبیات‌های آلمانی، از حیث وسعت دامنه اطلاعات بی‌نظیر و گنجینه‌ای از دانستنی‌هاست.

محسن ذاکرالحسینی، پژوهشگر گروه ادبیات معاصر فرهنگستان، در سخنرانی خود به معرفی بیاض یا سفینه صائب پرداخت. وی از دو نوع تاریخ ادبیات سنتی، تذکره‌ها و سفینه (بیاض یا جنگ)‌ها یاد کرد. به زعم او، سفینه صائب انتخاب‌های ارزشمندی دارد و اشعار بسیاری با ذکر نام گوینده در آن درج شده است. پیکره اصلی آن از پنج سازه متشکل است: مقدمه‌ای که یا منشور بوده یا منظوم و جز چند بیت آن باقی نمانده است؛ فهرست شاعران؛ منتخب اشعار سراینندگان قدیم: متقدمان و متوسطان و متأخران؛ منتخبی از شاعران معاصر مؤلف؛ منتخبی از اشعار مؤلف.

این سفینه ذوق و پسند صائب و عصر صفوی و، فراتر از آن، ذوق و پسند جامعه ادبی ایران را در دوره تاریخی خاص نشان می‌دهد و حاوی موادی است که برای تدوین تذکره‌های محلی به خصوص اصفهان و تبریز مفید است. بسیاری از شعرای عصر صفوی در این سفینه نام برده شده‌اند که شناخته نیستند و در جای دیگری نام آنها نیامده است. ضبط نام‌ها در این سفینه درخور توجه است و نشان می‌دهد که صائب، برای یافتن صورت درست نام‌ها، تحقیق کرده است. مثلاً بُندار، فهلوی‌گوی معروف، در این سفینه پندار ضبط شده است. همچنین برخی اشعار آشنا و زیانزد که گوینده آنها ناشناخته مانده بود در این سفینه با ذکر نام گوینده درج شده است؛ مثلاً دیدی که خون ناحق پروانه شمع را/چندان امان نداد که شب را سحر کند از حکیم شفاهی و رهرو آن نیست که گه تند و گه آهسته رود/ رهرو آن است که آهسته و پیوسته رود از کاتبی نیشابوری.

مقاله حسن میرعابدینی، نویسنده مشهور صد سال داستان‌نویسی در ایران و پژوهشگر گروه ادبیات معاصر فرهنگستان، با عنوان «مروری بر تاریخ‌نویسی ادبیات معاصر فارسی» را همکار او، فاطمه فرهودی‌پور، قرائت کرد. در این مقاله آمده است که جایگاه

نثر معاصر فارسی به‌درستی شناخته نیست. ادبیات معاصر فارسی، در واقع، ادامه طبیعی ادبیات سنتی ماست. برای نگارش تاریخ ادبیات معاصر فارسی، ابتدا باید منابع اطلاعاتی از قبیل کتاب‌شناسی‌ها (نمونه آن فهرست کتاب‌های چاپی فارسی از خان‌بابا‌نشار)؛ فرهنگ‌ها؛ مقاله‌نامه‌ها (جامع‌ترین آنها فهرست مقالات فارسی ایرج افشار) را روزآمد کرد.

جریان تاریخ ادبیات نویسی در ایران طی سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۳۰ شکل گرفت اما آن‌چنان که باید و شاید به تاریخ ادبیات معاصر پرداخته نشد. ادوارد براون نیز نگاهی گذرا به نوآوری‌های نثر افکنده هرچند اثر او مبدأ کارهای بعدی شده است. کم‌توجهی به ادبیات معاصر و نوآوری‌های نثر ناشی از آن است که ادبای سنتی عموماً برای ادب معاصر به‌خصوص انواع تازه آن (ادبیات داستانی و نمایشی) ارزش چندانی قایل نبوده‌اند، ضمن آنکه ادب معاصر در آغاز راه بوده است.

سایه اقتصادی‌نیا چکیده‌ای از گزارش کامیار عابدی را با عنوان «تاریخ ادبیات فارسی به قلم محققان خارجی» ارائه داد. عابدی، در این گزارش، به معرفی چهار اثر تاریخ ادبیات فارسی به قلم خارجیان پرداخته که به فارسی ترجمه شده‌اند: *تاریخ ادبیات فارسی اثر هرمان اِته؛ تاریخ ادبی ایران اثر ادوارد براون؛ شعرالعجم اثر شبلی نعمانی؛ و تاریخ ادبیات ایرانی اثر یان ریپکا.*

*تاریخ ادبیات فارسی اثر هرمان اِته* براساس انواع و جریان‌های ادبی تدوین شده است. در آن، به مباحث نظری پرداخته نشده و از اوضاع سیاسی و اجتماعی سخنی به میان نیامده است. این اثر بیشتر خصلت کتاب‌شناسی دارد. در عین حال، دارای اسلوب مهذب محققانه‌ای است.

در *تاریخ ادبی ایران* اثر ادوارد براون، در چهار جلد، به شرح حال شعرا اکتفا نشده و جلوه‌های نبوغ ملی ایران نشان داده شده است. این اثر در معرفی ادبیات ایران به جهانیان نقش مهمی ایفا کرده است.

*شعرالعجم* اثر شبلی نعمانی، پژوهشگر هندی، در پنج جلد، بیشتر به درون‌مایه‌های شعری پرداخته است. شیوه، زبان، محتوا در نظر او بیشتر از بحث‌های تاریخی اهمیت دارد. مؤلف بیشتر به تأثر و احساس و ذوق تکیه کرده و نقد را بر تحقیق مقدم شمرده است.

*تاریخ ادبیات ایرانی* اثر یان ریپکا شامل هشت بخش و چکیده‌ای از سیر تحول ادبیات

فارسی است. ابتکار نظرگیری از مؤلفان جز در فصل اول دیده نمی‌شود. ریپکا و همکارانش بیشتر ناقل آراء دیگران بوده‌اند. اثر به شیوه دانشنامه‌نگاری تألیف شده و بر اساس سلسله نقل قول‌های مستقیم و غیرمستقیم شکل گرفته است. این کتاب، در واقع، بررسی یکنواخت عناصر تشکیل‌دهنده ادب ایران از روزگار باستان تا معاصر در مجموعه‌ای متراکم قلمداد شده است.

در این هم‌اندیشی، فرصتی برای سخنرانی‌های آزاد در نظر گرفته شده بود که، با استفاده از آن، چهار نفر سخن گفتند: محسن پورمختار، از دانشگاه ولی‌عصر رفسنجان، به معرفی یک نسخه خطی ناشناخته پرداخت. نجم‌الدین جبّاری، از دانشگاه کردستان، مسئله ادبیات محلی اقوام ایرانی را مطرح کرد و صحت عنوان «تاریخ ادبیات ایران» را مشروط به آن دانست که ادبیات قومیت‌های ایران را نیز دربرگیرد. عصمت اسماعیلی، از دانشگاه سمنان، به مشکلات تدریس تاریخ ادبیات در دانشگاه‌ها و موانعی اشاره کرد که در امر خدمات‌رسانی کتابخانه‌های کشور وجود دارد.

در همین بخش از هم‌اندیشی، تقی سخن‌پرور، متخلص به دیبا، به قرائت قصیده مطولی سروده خود پرداخت که، در آن، از شاعران پارسی‌گو، هریک باوصفی کوتاه، نام برده شده است. قرائت این قصیده با تحسین حاضران استقبال شد.

در پایان، میزگردی با شرکت دکتر غلامعلی حداد عادل، دکتر فتح‌الله مجتبائی، کامران فانی، دکتر محمدجعفر یاحقی، دکتر طهمورث ساجدی، دکتر محمود عابدی، و احمد سمیعی (گیلانی) تشکیل شد.

در این میزگرد، دکتر فتح‌الله مجتبائی اظهار امیدواری کرد، با توجه به افق‌های تازه‌ای که در جهان گشوده شده، تاریخ ادبیاتی پویا برای زبان فارسی تألیف شود. دکتر طهمورث ساجدی کار گوستاو لانتسون را در ادبیات فرانسه استثنائی خواند که با الهام از ادبیات آلمان و وارد کردن ادبیات تطبیقی شکل گرفت. اما امروز در فرانسه دیگر یک نفر به تنهایی تاریخ ادبیات نمی‌نویسد و، با تقسیم تاریخ ادبیات به دوره‌ها، شکل گروهی به این کار داده‌اند. در آثار ایران‌شناسان فرانسوی، در زمینه تاریخ و تاریخ ادبیات کار چندانی صورت نگرفته است و بیشتر آلمانی‌ها در این زمینه‌ها کار کرده‌اند. کامران فانی درباره منابع تاریخ ادبیات سخن گفت و آن را غیرکافی دانست هرچند آنچه

دردست است، به خصوص از حیث نظریه‌های ادبی حاکم بر آنها، می‌تواند مفید باشد. وی نمونه‌وار به چند منبع اشاره کرد از جمله تاریخ ادبیات عرب از بلاشیر، ترجمه آذرتاش آذرنوش؛ تاریخ ادبیات عرب قبل از اسلام از نیکلسون، ترجمه کیواندخت کیوانی؛ ادبیات نوین عرب از هامیلتون الکساندر راشکین، ترجمه یعقوب آژند؛ تاریخ ادبیات عرب از عبدالجلیل، ترجمه از فرانسه به قلم آذرتاش آذرنوش؛ تاریخ ادبیات عرب از نیکلسون، ترجمه کیواندخت کیوانی؛ تاریخ نقد جدید اثر رنه وِلک در هشت جلد، که هفت جلد آن به قلم سعید ارباب شیرانی به فارسی ترجمه شده است. همچنین تاریخ ادبیات روسیه در دو جلد، اثر میرسکی، ترجمه ابراهیم یونسی که یکی از بهترین تاریخ ادبیات‌هاست؛ و تاریخ ادبیات روم و یونان اثر رابرت رُز.

احمد سمیعی (گیلانی)، در سخنان اختتامیه خود، ضمن اشاره به خلاهایی که در تاریخ ادبیات‌های ما وجود دارد و باید آنها را شناخت، زمینه را برای تدوین تاریخ ادبیات فارسی از حیث آماده‌بودن تصحیح انتقادی امّات آثار و وجود مقالات و تألیفات پر شمار در حوزه تحقیق ادبی و نقد ادبی نسبتاً مساعد دانست و افزود که این کار سترگ جنبه ملی دارد و باید با شرکت استادان و محققان متبحر و متخصص با برنامه‌ریزی دقیق و همکاری گروهی برخوردار از مدیریت صحیح انجام گیرد.

آرزو رسولی (طالقانی)

## مراسم یادبود مهدی سحابی در دانشگاه تهران

روز دوشنبه دوم آذر ۱۳۸۸، به مناسبت درگذشت مهدی سحابی، مترجم چیره‌دست آثار داستانی فرانسه، به دعوت جامعه فرهنگی دانشجویان دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، مراسمی در تالار باستانی پاریزی آن دانشکده برگزار شد. در این مراسم، بسیاری از هم‌نسلان مهدی سحابی شرکت داشتند.

مراسم با سخنان دهباشی در معرفی شمه‌ای از کارنامه شادروان سحابی آغاز شد. اولین ترجمه سحابی، مرگ وزیر مختار، در اوایل دهه ۵۰ صورت گرفت. وی، در دو دهه



اخیر، بی‌وقفه به کار ترجمه اشتغال داشت. قریب یک دهه (۱۳۶۹-۱۳۷۸) از عمر این مترجم خلاق صرف ترجمه اثر حجیم و به زبان شاعرانه و سرشار از ظرایف زبانی مارسل پروست، در جست‌وجوی زمان از دست رفته، شد.

از دیگر شئون زندگی حرفه‌ای سحابی که کمتر شناخته است فعالیت مطبوعاتی و روزنامه‌نگاری اوست. او، در این حوزه، کارنامه هشت‌ساله دارد. به گزارش دهباشی، میدان کار آشفته و درگیری‌های صحنه مطبوعاتی با روحیه او سازگار نبود. از این رو، ادامه کار در آن عرصه برایش میسر نشد. به گفته خودش، بیرون از روزنامه، عملی‌ترین و ساده‌ترین کاری که می‌توانست بکند ترجمه بود. در سال‌های بعد، به نقاشی سرگرم شد. سپس به داستان‌نویسی روی آورد که پیچک باغ کاغذی از فرآورده‌های آن بود.

بهرام دبیری، هنرمند نقاش، از اهمیت آثار تجسمی مهدی سحابی یاد کرد. وی ضمناً از وضعیت کنونی نشر در ایران و تیراژ نازل کتاب‌ها در کشوری با هفتاد میلیون جمعیت انتقاد کرد و همت مترجمانی چون سحابی را، که در چنین شرایطی، با ترجمه خلاق امهات آثار ادبی، فارسی‌زبانان را با ادبیات جهانی آشنا می‌سازند، ستود.

علی‌اصغر حداد، از بستگان شادروان سحابی، ضمن یادکرد از استمرار فعالیت این مترجم و هنرمند در آخرین مرحله عمر، خاطراتی از دوران کودکی و جوانی او نقل کرد و گفت: سحابی از کودکی متعادل و نرم‌خو بود، با افراد خانواده‌اش مشکلی نداشت. در عین حال، بیش از همه ما با اندیشه‌ها و جریان‌های فکری نو آشنا بود. دوستان و آشنایان بسیاری از هر صنف داشت. این وسعت روابط حاصل روحیه مداراگر او بود که، در پرتو آن، افراد را همان‌گونه که بودند می‌پذیرفت.

لیلی گلستان از هردو جنبه کار مهدی سحابی، هنر و ترجمه، یاد کرد و گفت که وی برنامه‌ریزی شده کار می‌کرد و کارش ناظر به هدف و ایفای رسالت روشن‌فکرانه بود. نویسندگان معتبری را به فارسی‌زبانان شناساند. ترجمه‌های متعدد از آثار کلاسیک رسم شده است. مهدی سحابی نیز مصمم بود در این باب سهمی داشته باشد. وی از آثار داستانی مهمی چون مادام بوواری و تربیت احساسات اثر گوستاو فلوپرو سرخ و سیاه اثر استاندال ترجمه تازه‌ای به دست داد. لیلی گلستان، در پایان سخنان خود، نوشته سحابی را در نسخه‌ای از ترجمه در جست‌وجوی زمان از دست رفته که به او اهدا شده به این شرح

خواند: «زمان برای من و تو نمی‌گذرد، اما حالا باید بگوییم که نه! زمان برای تو گذشت، برای من هم می‌گذرد و دیگر هیچ فرصتی برای جست‌وجوی این زمان از دست رفته نخواهیم داشت».

جواد مجابی از نقش ترجمه در گسترش مدرنیته در ایران یاد کرد و گفت: مترجمان ایرانی در انتقال ذهنیت مدرن جامعه جهانی به ایران معاصر نقش مهمی داشتند. ترجمه به نشر افکار نو در ایران کمک مؤثر کرد و ما بخشی از تحوّل فکری جامعه را مرهون تلاش مترجمان به ویژه مترجمانی هستیم که آثار معتبر را به زبان فارسی برگرداندند و مهدی سحابی از همین جمع بود. سحابی از جمله کسانی بود که با هنرِ باروز زندگی کردن آشنایی داشت. در آثار تجسمی سحابی، پرندگان تجسم آزادی و زیبایی‌اند. سحابی، با آثار ارزنده‌ای که از خود به یادگار گذاشت، جوانه‌ای بر تنه سبزر فرهنگ معاصر ایران شد.

مجابی، در ضمن سخنانش، به تقارنی جالب میان روز خاک‌سپاری پروست و سحابی اشاره کرد. این هردو در ۱۸ نوامبر به دیار باقی شتافتند: مارسل پروست در ۱۸ نوامبر ۱۹۲۲ و مهدی سحابی در ۱۸ نوامبر ۲۰۰۹.

سخنان هادی سحابی، برادر مهدی سحابی، پایان‌بخش مراسم شد که گفت: «اهل قلم نیستیم، مرثیه‌خوانِ دل خویشم»؛ سپس خاطراتی از برادر خود نقل کرد.

در این مراسم، فیلمی نیز که، در اواخر عمر مهدی سحابی از زندگی و آثارش تهیه شده بود، نمایش داده شد.

آ. ر. (ط.)

